آینه

مردم امروز

اعضای جبهه پایداری با برخی کادرهای امنیتی دولت قبل ارتباط دارند

در مجموع مجلس هشتم از مجلس نهم قوی‌تر بود و افراد خوش‌فکر در آن مجلس بیشتر بودند و این امر طبیعی است چون مجلس نهم در شرایط خاص شکل گرفت که بسیاری از افراد خوش‌فکر کاندیدا نشدند. مجلس دهم باید از همه اقشار جامعه نماینده داشته باشد، نه اینکه تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس عضو نهادهای خاص باشند. اینها بعضا با برخی از کادرهای وزارت اطلاعات در دولت سابق و با برخی افراد در نهادهای اطلاعاتی ارتباط دارند و آنها در مواقعی مانند استیضاح یا رای اعتماد به وزرا اسناد و مدارک لازم از جمله صدای افراد را که گاهی از راه شنود به دست آمده است به اینها می‌رسانند و اینها هم نمایندگان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند.

اعتماد

گفت‌وگو: تحلیل حمیدرضا جلایی‌پور از جریان تندروی مقابل دولت: گروهی قدرتمند سد راه «هماهنگی ملی»

... عده‌ای نان‌شان در این است که کشور در مسیر توسعه نباشد و با علم بر این موضوع، سعی در ایجاد اختلال دارند. عده‌ای نان‌شان در این است که کشور در مسیر تقابل قرار بگیرد. این گروه‌ها همان کسانی هستند که در سال‌های اخیر معتقد بودند تحریم‌ها کاغذپاره هستند و تاثیری ندارند. این دلواپسانی که این‌همه سروصدا می‌کنند کجا بودند و چرا کلامی حرف نمی‌زدند. زمانی که ۸۰۰میلیارد ارز کشور هزینه می‌شد لب باز نمی‌کردند. الان در روند کاری دولت هی جوسازی می‌کنند... اتفاقی که در انتخابات رخ داد، این بود که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل در یک ائتلاف نانوشته شرکت کردند و همین ائتلاف، نزدیکی و هوشیاری مردم بود که نتیجه مطلوب انتخابات هم رقم خورد. اما عده‌ای تندرو در این میان همچنان ناراضی هستند چون نتیجه انتخابات برای‌شان دور از انتظار و غافلگیرکننده بود. این تندروها آنقدر جوسازی می‌کنند، حتی دوست دارند تشکل‌های اصولگرایان میان‌رو و معتدل را مرعوب کنند. الان به خاطر همین ترس برخی اصولگرایان دور اصولگرایان میانه‌رویی مثل علی مطهری یا حتی علی لاریجانی را هم خالی کرده‌اند. این افراد تندرو دوست ندارند که همکاری و نزدیکی میان جریان‌های مختلف میانه‌رو در کشور شکل بگیرد. فضای تند و تیزگویی آذوقه اینهاست.

جام جم

گزارش: رییس‌جمهور از صداوسیما چه می‌خواهد

این خبر که رییس‌جمهور از عملکرد رسانه ملی در پوشش خبرهای دولت راضی نیست، آنقدر کلیشه‌ای شده که شاید دیگر کمتر حساسیتی را برانگیزد؛ چراکه در سال‌های اخیر، ظاهرا رسم شده که هر وقت هریک از روسای جمهور می‌خواهد برخی کاستی‌ها را جبران کند، دیواری کوتاه‌تر از صداوسیما نمی‌یابد. بر همین اساس در دولت فعلی همچنین دولت قبلی بارها صداوسیما به تیغ نقد نواخته شده و روسای جمهور اعتقاد داشته‌اند که جای دولت در برنامه‌های رادیو و تلویزیون خالی است... . حسن روحانی روز یکشنبه در بیست‌ونهمین دوره تجلیل از تولیدکنندگان برتر بخش کشاورزی گفته بود: «لابد مشکلی وجود دارد، یا دوربین‌های صداوسیما مشکلی دارد یا در فرستنده‌هایشان یک مشکلی است.» اما این انتقادات رییس‌جمهور چندان با آمارهای منتشرشده درباره پخش بیش از چند هزار ساعت برنامه درباره خدمات دولت ظرف بازه زمانی محدودی همخوانی ندارد. شاید به همین خاطر است که برخی صاحبنظران نگران شده‌اند که با توجه به برخی تجارب پیشین، مبادا دولت یازدهم رسانه ملی را تریبون مستقیم خود تنها برای بیان نظرات خود خواسته و چندان راضی به شنیدن سخن مخالفان نیست.

کیهان

● **خبر ویژه:** سایت‌های ملی- مذهبی و کلمه اظهارات سعید مدنی از اعضای گروهک ملی- مذهبی را منتشر کردند که گفته است: ... گروهی تلاش کردند تا با مهندسی وارونه یا مشابه‌سازی آن با جنبش سبز، یک کمپین محدود انتخاباتی را در هیئت یک جنبش اجتماعی مطرح کنند. با وجود آنکه دوستان آقای روحانی آن کمپین را طراحی و اجرا کرده بودند و به رغم تمایل دولت به برجسته‌سازی آن با هویت مجعول «اعتدال» و برگزاری مجموعه‌ای از سمینارها، گزارش‌ها و مجموعه‌ای از فعالیت‌های ژورنالیستی در روزنامه‌های رسمی مثل ایران یا حتی نشریه مهرنامه و غیره، اینقدر این تفکر، عقیم و نازا بود که در خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی‌ها حداکثر می‌توان ادعا کرد آن پدیده و روایت مربوط به آن، درجا می‌زند یا ثابت و فیکس شده، نه جلو می‌رود و نه اصلا حرکتی دارد... شما با شنیدن گزاره اجرای بدون تنازل قانون اساسی چه معنایی را در ذهن متبادر می‌کنید؟ بازگردم به ماجرای «جنبش بنفش» یا همین ادعای «اعتدال». من اگرچه از پیروزی روحانی در انتخابات ارزیابی مثبتی دارم و برای ایشان و دوستان‌شان آرزوی موفقیت می‌کنم، اما با همه این احوال، ادعای هویتی مستقل تحت عنوان اعتدال را ساده‌انگاری می‌دانم. هویت محصول یک فرآیند طبیعی است و نه تزریق آنی و فوری... .

آسیب‌شناسی قانون و آیین‌نامه انتشار و حق دسترسی آزاد به اطلاعات در گفت‌وگو با کامبیز نوروزی

«اطلاعات» حق ملت است، نه دولت

عکس: مهدی حسنی

قانون دسترسی و انتشار آزادانه اطلاعات پنج‌سال قبل تصویب شد اما دولت قبلی در تدوین آیین‌نامه‌اش کوتاهی کرد و ماند تا دولت فعلی که تدوین آیین‌نامه را برعهده گرفت، تصویب و ابلاغ کرد. با این حال ما شاهد تفاوت خاصی بین آیین‌نامه و قانون نیستیم، درحالی که در آیین‌نامه باید مصادیق و تعاریف روشن‌تر بیان می‌شد. مضاف بر اینکه در هر دو یعنی قانون و آیین‌نامه ما بیشتر شاهد یکسری عبارات در راستای توصیف وضع موجود هستیم و راهکار خاصی برای بازشدن بُعد مجرای انتشار اطلاعات نمی‌بینیم؛ به‌ویژه در مواردی نقاط ابهام و تفسیربردار به قوت خود باقی است و دست مجری برای تفاسیر شخصی و سلیقه‌ای در راستای جلوگیری از انتشار آزاد اطلاعات باز می‌ماند. نظر شما چیست؟

برداشت شما درست است. همین ابتدای گفت‌وگو عرض کنم که بحث حقوقی در مورد این قانون بیهوده است. قانونی که از اساس موضوع خودش را نشناخته لاجرم باقی راه را هم به خطا می‌رود. مشکل اصلی این قانون، این است که اصلا موضوع خودش را که «اطلاعات و دولت» است نشناخته. این قانون هیچ چیز جدیدی به فرآیند گردش اطلاعات در ایران اضافه نمی‌کند؛ چون از همان ابتدا اصلا مساله را ناقص دیده است. در بحث گردش آزاد اطلاعات موضوع نخست، کانون انباشت اطلاعات است؛ یعنی دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های دولتی و سازمان‌های عمومی. اطلاعات باید از صندوقچه این سازمان‌ها بیرون بیاید و در عرصه افکار عمومی قرار گیرد. این قانون باید شرایط چنین چیزی را فراهم می‌کرد اما کمترین اثری در این زمینه ندارد. مساله بعدی ماهیت و کارکرد اطلاعاتی است که در دولت و سازمان‌های عمومی انباشته شده است اصولا اطلاعات در یک تحلیل اصولی مجموعه داده‌هایی است که به زندگی روزمره مردم مربوط می‌شود. اطلاعات می‌تواند، مالی، اقتصادی و سیاسی باشد. اقتضای عدالت این است که این اطلاعات در اختیار همگان قرار گیرد. در ایران و همه جای دنیا اطلاعات یک ابزار قدرت است و کسی که اطلاعات دارد قدرت هم دارد. در ایران اطلاعات یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ابزار قدرت بوروکراتیک دولت محسوب می‌شود که اگر آن را از دست بدهد به بخش بزرگی از تمامیت‌خواهی این ساختار بوروکراتیک آسیب می‌رسد. ساختار بوروکراتیک دولت برای حفظ این قدرت گسترده بی‌منازع امتناع جدی‌ای از انتشار اطلاعات دارد و به همین علت به‌ندرت می‌بینید که اطلاعات مفیدی که ارزش خبری بالا داشته باشد به‌سادگی از دستگاه‌های دولتی خارج شود. ابتدای بحث این را بگویم که این مشکل ساخت بوروکراتیک، مساله دولت فعلی یا قبلی نیست. مشکلی است که همزاد با ساخت دولت مدرن در ایران ایجاد شده است. دولت مدرن در ایران خصلت تمامیت‌خواه دارد و این ساخت بوروکراتیک، مجری این خصلت است.

مهسا جزینی: به تصویب و ابلاغ آیین‌نامه «حق دسترسی و انتشار آزادانه اطلاعات» باید چه نگاهی داشت؟ خوشبینانه یا بدبینانه؟ آیا این آیین‌نامه به‌خودی‌خود می‌تواند باعث بازشدن در بایگانی‌های ادارات و مخزن اسرار سازمان‌ها شود؟ آیا آیین‌نامه انتشار آزاد اطلاعات منجر به ترک‌خوردن انحصار رانت‌های اطلاعاتی که خود آغاز شکل‌گیری فسادهای مالی و اداری است، می‌شود؟ آیا از این به بعد یک ارباب‌رجوع یا خبرنگار براساس سطح نیاز و دسترسی خود می‌توانند به‌راحتی اطلاعات مورد نیاز خود را از یک سازمان عمومی یا خصوصی دریافت کنند بدون اینکه با سردرگمی و درهای بسته روبه‌رو شود؟ کامبیز نوروزی، مدرس حقوق مرکز تحقیقات رسانه و دانشکده خبر و دبیر حقوقی سابق انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، اصلا چنین نگاهی ندارد. او مشکل را از جایی دیگر می‌داند؛ جایی که این قانون و آیین‌نامه‌اش اصلا نتوانسته ببیند یا نخواسته به آن ورود کند. ماجرای «صندلی‌های آلوده و ساختار بوروکراتیک دولت». با او در همین باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

مشکل این است که در وب‌گاه‌های دولتی ما حتی گاهی نمی‌توانیم ساده‌ترین اطلاعات اداری را که یک ارباب‌رجوع یا خبرنگار به آن نیاز دارد پیدا کنیم. یعنی سیطره نگاه مخفی‌کردن اطلاعات یا خست در انتشار اطلاعات، باعث می‌شود اطلاعات معمول و ساده هم روی خروجی سایت‌های دولتی قرار نگیرد.

خیلی ساده است. هر اندازه که اطلاع و آگاهی مردم و جامعه از جزییات رفتاری یک دستگاه اداری بیشتر باشد، امکان استفاده ساختار بوروکراتیک از اطلاعات به‌عنوان ابزار قدرت کمتر می‌شود. یک مثال ساده بزنم؛ شرکت «شستا» یکی از عظیم‌ترین مجموعه‌های اقتصادی کشور است که تقریبا در تمام حوزه‌های اقتصادی فعالیت دارد و شرکت‌های بزرگی تحت پوشش آن است. اما تقریبا کسی نمی‌داند در این مجموعه عظیم چه اتفاقاتی درحال رخ‌دادن است و عملکرد اقتصادی آن چگونه است. فکر کنم رقم بودجه عمرانی کشور نزدیک به ۴۰هزارمیلیاردتومان و بودجه شرکت‌های دولتی هم رقمی نزدیک به ۶۰۰هزارمیلیاردتومان است. آیا رسانه‌ها و به تبع آنها جامعه از ریز اطلاعاتی که قرار است پروژه‌هایی براساس این بودجه اجرا شود اطلاع دارند؟ شما به‌عنوان یک خبرنگار می‌توانید به اداره راه مراجعه کنید و بگویید قرارداد پروژه راه فلان منطقه را به من بدهید؟ آیا به شما خواهند داد؟ فرآیند مناقصه‌ها چطور طی شده است؟

براساس آنچه در قانون و آیین‌نامه جدید انتشار و دسترسی آزادانه اطلاعات آمده قاعدتا یک خبرنگار از این به بعد نباید با محدودیتی در این زمینه روبه‌رو شود و از آن سو هم نباید ممانعتی بر سر راهش ایجاد شود. چون مثلا در ماده ۱۰ این قانون آمده‌است که روش‌ها و مراحل خدماتی که مستقیما به اعضا جامعه ارایه می‌شود باید از سوی موسسات عمومی منتشر شود.

یک اشاره ناقص شده است که من در ادامه می‌گویم نقیصه آن کجاست. ساختار بوروکراتیک دولت در ایران با ظرافت تمام استیلای خود را بر اطلاعات را حفظ می‌کند و اجازه نمی‌دهد اطلاعات اساسی و اصلی منتشر شود. الان همه شرکت‌ها در پایان سال مالی بیلان سالانه خود را به اداره ثبت شرکت‌ها می‌دهند و وزارتخانه‌ها عملکرد بودجه خود را به دیوان محاسبات می‌دهند و بعد از مدتی قانون تفریغ بودجه به مجلس ارایه می‌شود. اولا اینها نوش‌داروی بعد از مرگ سهراب‌اند. ثانیا خیلی از اعداد و ارقامی که در عملکرد شرکت‌ها می‌آیند، اعدادی رسمی هستند که الزاما با اعداد واقعی یکی نیستند. ضمن آنکه در خلال این عملکرد مالی چه کسانی آمده و رفته‌اند و عملکرد مالی‌شان چه بوده است؟ اینها گفته نمی‌شود. این‌همه بحث از فساد و جرایم یقه‌سفیدها مطرح می‌شود به همین دلیل است.

در ایران اطلاعات مربوط به فرآیندهای تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری بخش‌های بزرگی از رفتار اقتصادی دولت و شرکت‌های بزرگ، بانک‌ها و سازمان‌های عمومی در حلقه‌هایی بسته و غیرقابل رویت اتفاق می‌افتد. حتی ساده‌تر از این را بگویم؛ میزان درآمد شخصیت‌ها و مدیران رده بالا درحالی‌که در خیلی از کشورهای دیگر مشخص است، در ایران از چشم افکار عمومی پنهان است

اعلام این اطلاعات با جزییاتی که شما می‌گویید، یعنی انتشار روند کاری یک مناقصه، آیا در سایر کشورها اتفاق می‌افتد؟

بله. در کشورهای دموکراتیک اتفاق می‌افتد اما در ایران اطلاعات مربوط به فرآیندهای تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری بخش‌های بزرگی از رفتار اقتصادی دولت و شرکت‌های بزرگ، بانک‌ها و سازمان‌های عمومی در حلقه‌هایی بسته و غیرقابل رویت اتفاق می‌افتد. حتی ساده‌تر از این را بگویم؛ میزان درآمد شخصیت‌ها و مدیران رده بالا درحالی‌که در خیلی از کشورهای دیگر مشخص است، در ایران از چشم افکار عمومی پنهان است.

البته در آیین‌نامه این قانون این جزو مواردی است که استثنا شده و امور مالی جزو اطلاعات شخصی افراد و نه عمومی طبقه‌بندی شده است.

بله! همین‌طور است. این هم از جمله مواردی است که نشان می‌دهد این قانون موضوع خودش را نشناخته و در حقیقت تمایل واقعی به انتشار اطلاعات ندارد. در مورد مقامات عمومی، درآمد ماهانه، مطلقا حریم خصوصی نیست. درآمد اشخاص جزو حریم خصوصی آنهاست اما مقامات عمومی چون در موقعیتی هستند که مدیریت منافع عمومی را برعهده دارند و عملکرد این افراد روی زندگی عموم مردم موثر است و خصوصا اینکه به‌دلیل برخورداری از منابع قدرت، امکان بروز فساد در آنها وجود دارد، مشمول حریم خصوصی نیست و جامعه باید از آن، مطلع شود؛ مثل چهره یک هنرپیشه یا ورزشکار که دیگر جزو حریم خصوصی‌شان نیست. خیلی از تجار، مقام عمومی نیستند اما میزان ثروتشان به اندازه‌ای است که در اقتصاد یک کشور، تاثیرگذار است اینها هم اطلاعات مالی‌شان جزو حریم خصوصی نیست. چون با نظم و منافع عمومی، سروکار دارند. شرکت‌های بزرگ همین‌طور هستند. عملکرد مدیرعامل و مدیران شرکتی مثل ایران‌خودرو که می‌گویند چیزی حدود ۱۰ ، ۱۲درصد اقتصاد کشور، متاثر از آن است برای افکار عمومی مهم است. مردم حق دارند که بر زندگی مالی مدیران این قبیل شرکت‌ها و سایر شرکت‌هایی که به نوعی از بودجه عمومی تغذیه می‌شوند یا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دولت مرتبطند، مثل تامین اجتماعی یا صندوق‌های بازنشستگی، نظارت کنند. وزرا و دیگر مدیران ارشد، شهرداران، استانداران و... هم همین‌طور.

البته واقعا به این راحتی نیست. معمولا میزان حقوقی که در فیش حقوقی درج و مثلا به تامین اجتماعی یا شرکت‌های بیمه‌ای اعلام می‌شود در موارد زیادی بسیار متفاوت از رقم واقعی دریافتی فرد است که خارج از فیش حقوقی دریافت می‌کند؛ یعنی حتی اگر مدیران، ملزم به عمومی‌کردن فیش حقوقی خود هم شوند بازهم امکان پنهانکاری، زیاد است.

اشکال ندارد. باز هم مشخص می‌شود. گاهی ارقام و اعداد حیرت‌انگیزی درباره حقوق برخی مدیران شنیده می‌شود. از این مورد که بگذریم، موارد دیگری که از چشم مردم پنهان است، فرآیند واگذاری شرکت‌هاست. با چه فرآیندی و چه میزان، این شرکت‌ها ارزش‌گذاری شده‌اند؛ نحوه پرداخت مبالغ سهام شرکت‌ها چقدر بوده است؟ شما اگر به عنوان خبرنگار بخواهید این اطلاعات را کسب کنید آیا به‌راحتی به شما داده می‌شود؟

و بازهم این قانون به تصور شما کمکی در این زمینه نمی‌کند.

هیچ کمکی.

ولی محسن اسماعیلی، عضو حقوقدان شورای نگهبان و رییس هیات تطبیق مصوبات دولت با قوانین درخصوص آیین‌نامه این قانون و به‌ویژه آن ماده‌ای که دستگاه‌ها را موظف کرده بدون پرسش از چرایی و علت درخواست، اطلاعات را در اختیار متقاضی بگذارند، گفته است: «طبیعتا وقتی این حق برای تک‌تک شهروندان شناسایی شده برای خبرنگاران هم به طریق مطلوب شناسایی شده است و اگر مسوولی اطلاعات را در اختیار خبرنگاران قرار ندهد، دچار تخلف شده و نقض قانون شده که قابل پیگرد است.»

اولا باید دید «اطلاعاتی» که ایشان گفته است، منظورشان چه اطلاعاتی است؟ اگر الان شما به عنوان یک خبرنگار بروید و از یک شرکت یا سازمان دولتی یا یک بانک دولتی بپرسید که فلان قراردادهای شما در چه وضعیتی است، این اطلاعات را به‌راحتی در اختیار شما قرار می‌دهد؟ خیر. ثانیا باید بین شهروندان و روزنامه‌نگاران، تفکیک قایل شد. شهروند، اطلاعات را برای استفاده شخصی خود می‌خواهد اما خبرنگار اطلاعات را برای استفاده شخصی نمی‌خواهد. برای عرضه به افکار عمومی می‌خواهد. لاجرم اطلاعاتی که یک شخص معمولی دنبال می‌کند اصلا از یک جنس دیگر است و اطلاعاتی که یک خبرنگار می‌خواهد، از یک جنس دیگر. او حلقه واسط بین جامعه و کانون انباشت اطلاعات است. ثالثا این نگاه و نیز نگاه این قانون به خبرنگار، یک نگاه آمرانه و ارباب - رعیتی است. حقی برای تفحص و خبرگیری برای خبرنگار قایل نیست.

البته در قانون هیچ اشاره‌ای به خبرنگاران نشده است.

بله. نشده است و نگاه کلی دارد. به قول مرحوم «گل‌آقا» که نگاهش به خبرنگار «خبربیار» است نه خبرنگار. این هم از دیگر نشانه‌هایی است که حکایت از آن دارد که این قانون اصلا در پی آزادی انتشار اطلاعات نیست. چون اگر این بود، اصلا باید کانون اصلی آن بر آزادی عمل خبرنگاران، به‌عنوان سلول‌های حیاتی گردش اطلاعات استوار می‌شد. خبرنگار باید این حق را داشته باشد که بتواند جزییات اطلاعات را دربیاورد. تازه اگر ما این قانون را در کنار قانون افشای اسناد محرمانه دولتی بررسی کنیم، آن‌وقت است که به چگونگی آن بیشتر پی می‌بریم.

البته این قانون، اسناد و اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی‌شده را تفکیک و آنها را مستثنی کرده است. قانون و آیین‌نامه مربوط به مجازات افشای اسناد محرمانه هم گویا مصوب سال ۵۴ است.

درست است. من این را کاملا قبول دارم که دسته‌ای از اطلاعات مربوط به امنیت ملی و تمامیت ارضی باید محرمانه بماند. مثل اطلاعات دستگاه‌های اطلاعاتی، نظامی و انتظامی. من در تحلیل خود همیشه می‌گویم که در مورد این دستگاه‌ها اصل همیشه بر محرمانه‌ماندن اطلاعات است. بنابراین در مورد محرمانگی این بخش از اطلاعات هیچ بحثی نیست. مشکل آنجاست که در ساختار بوروکراتیک و ساختارهای دولتی، هر سندی را به‌راحتی و بدون آنکه توجیه معقولی داشته باشد طبقه‌بندی و با این ترفند آن را از گردش اطلاعات خارج می‌کنند. در قانون مجازات افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده دولتی، اسناد دولتی به چهار دسته طبقه‌بندی می‌شوند. به‌کلی‌سری، سری، خیلی‌محرمانه و محرمانه که روزنامه‌نگار حق دسترسی به آنها را ندارد و در صورت دسترسی هم حق انتشار آنها را ندارد. اما دقت کنید که مطابق با مفاد آیین‌نامه اجرایی همین قانون مجازات افشای اسناد محرمانه، هر مدیر دولتی یا سازمان عمومی و شرکت‌های دولتی به تشخیص خودش می‌تواند هر سندی را محرمانه اعلام کند و این خلاف اصل آزادی اطلاعات است. این یک وسیله ساده در اختیار بوروکراسی دولتی است تا مانع انتشار آزادانه اطلاعات شود.

ولی من فکر می‌کنم که گاهی مساله ساده‌تر از اینهاست؛ یعنی همان ساختار بوروکراتیک گاهی اطلاعات ساده‌ای که هیچ دستوری هم مبنی‌بر محرمانه‌ماندن ندارد و می‌تواند از طریق روابط‌عمومی یا کارمندان منتشر شود را هم مخفی می‌کنند. کارمندان اصولا از بالادستی حساب می‌برند و تصور می‌کنند همه‌چیز سازمان محرمانه است و در صورت انتشار توبیخ یا اخراج می‌شوند.

بله. عرض کردم که جلوگیری ساخت بوروکراتیک از گردش اطلاعات به صورت‌های مختلف اتفاق می‌افتد. یکی از این شیوه‌ها، استفاده از طبقه‌بندی اطلاعات است، آن هم اطلاعاتی که اصلا دلیلی بر محرمانگی آنها نیست. اما شیوه‌های متنوع و پیچیده دیگری وجود دارد که به پنهانکاری در ساخت اداری کمک می‌کند. ببینید! در این نظام اداری، روابط بسیار پیچیده‌ای حاکم است که بیش از هرچیز به کار حفظ قدرت طبقات مسوولان به کار می‌آید. آن اصطلاح «مدیریت اتوبوسی» دلالت بر همین معنا دارد. مدیر ارشد کسانی را ترجیح می‌دهد که با او «هماهنگ» باشند.

پس آیا مشکل اصلی این نیست که باید ابتدا آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده دولتی اصلاح شود؟

من فکر می‌کنم مقدم بر این باید تحلیل شود که چرا وقتی طبق قانون اساسی و بسیاری از قوانین باید گردش آزاد اطلاعات رخ دهد اما این اتفاق نمی‌افتد. نقطه اصلی این مانع کجاست؟ بیرون‌آمدن اطلاعات از ساختار بوروکراتیک باعث می‌شود دیگران هم در این ابزار قدرت سهیم شوند و رانت‌های بی‌شمار در جامعه پخش شود و از بین رود. علاوه‌بر این جامعه هم از کارنامه مدیران مطلع می‌شود اما ساخت دولت نمی‌خواهد این ابزار را از دست بدهد. همین ساختار است که موجب انبوهی از فساد اداری و جرایم یقه‌سفیدها شده است که صدای همه را درآورده و روزی نیست که خبری از آن منتشر نشود، آن‌هم با اعداد و ارقام نجومی و حیرت‌انگیز. در پیام مختصر و محکمی هم که رهبری به آن همایش مبارزه با فساد دادند به خوبی می‌شد فهمید که چقدر موضوع مهم است. این را هم عرض کنم که قضیه چیز تازه‌ای نیست. در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بحث از این بود که طبق برآوردهای اقتصادی، رقمی بین هفت تا ۱۳میلیاردلار کالای قاچاق در ایران در جریان است. یعنی رقمی نزدیک به نیمی از درآمد ارزی کشور در آن سال‌ها. همان موقع هم کسی کاری نکرد. با وجود آنکه دولت خاتمی یکی از پاک‌ترین دولت‌های ایران بوده است اما ماجرا تغییری نکرد. یک مثال دیگر می‌زنم، همه قراردادهای نفتی با یک مهر محرمانه از نگاه افکار عمومی پنهان است. قرارداد نفتی چه چیزی دارد که باید از دید مردم پنهان بماند؟

آیا این محرمانه‌سازی به استناد همان آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات افشای اسناد محرمانه دولتی نیست که براساس آن یک مدیردولتی به صلاحدید خود می‌تواند حتی مثلا یک قرارداد را محرمانه اعلام کند؟

بخشی از آن بله. اما تمامش نه. کافی است دولت به مدیران دستور بدهد که شما موظف به انتشار اطلاعات هستید. این دیگر یک رویه است به قانون نیاز ندارد. فکر نمی‌کنم الان کسی باشد که از وضعیت شرکت شستا و میزان سود و زیان آنها مطلع باشد. مگر جسته گریخته از این طرف و آن طرف یا اینکه یک نماینده مجلس چیزی بگوید. ما دستگاه‌های نظارتی در کشور کم نداریم. اما به استناد اخبار، کارآمدی برای کنترل فساد و جرایم «یقه‌سفیدها» ندارند. حلقه مفقوده کجاست؟ به اعتقاد من خود این دستگاه‌های نظارتی هم بخشی از این دستگاه بوروکراتیک هستند و در روابطی که این بین تولید می‌شود خود به خود کارآمدی پایین می‌آید. مثل روابط چهره به چهره، یا دلسوزی، مثلا گفته می‌شود فلانی آدم خوبی است حالا یک‌بار خطا کرده‌است. گاهی هم اما روابط بده بستانی مانع می‌شود. گاهی اوقات هم فشارهای درونی سیاسی. مثلا یک دستگاه به دستگاه دیگر فشار می‌آورد که اگر تو فلان کار را بکنی من هم مقابله به مثل می‌کنم. در جرم‌شناسی بحثی تحت عنوان موقعیت جرم‌زا مطرح می‌شود. نخستین ویژگی موقعیت جرم‌زا، پنهان بودن است. هرجا محیط پنهان است احتمال وقوع جرم بالا می‌رود. فضاهای تصمیم‌سازی و فضاهای نظارت بر این تصمیم‌ها معمولا پنهان و درون حلقه بسته خود سیستم بوروکراسی است و چشم دیگری بر آنها نظارت نمی‌کند.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

همشهری

نیمی از تهران به بازسازی نیاز دارد. *راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه برای حل مشکلات معیشتی کارکنان شهرداری. *زلزله سیاسی در سوریه. *خدام علیه اسد افشاگری کرد. *برای هرماده درسی چندکتاب تالیف می‌شود.

کیهان

*معاون وزیر علوم در گفت‌وگو با کیهان: دولت مسایل تخلف بورسیه‌ها را به‌جد پیگیری می‌کند. *دوکارگردان مشهور سینما: مردم مصر احمدی‌نژاد را در حد اسطوره قهرمان ملی دوست دارند. *عمید زنجانی، رییس دانشگاه تهران: آمار میانگین دانشمندان ایرانی بیش از میانگین آسیاست. *آخرین ارزیابی صاحبنظران از پیشنهاد هسته‌ای مسکو: طرح فریب اروپا، روسیه بازنده است.

شرق

*افشاگری دست راست بشار اسد. * تاکید هاشمی‌شاهرودی بر پرهیز قوه‌قضاییه از سیاست‌بازی. *درخواست مجلس سوریه برای محاکمه خدام. *گازپروم امروز شیرها را می‌بندد. *پروین در وضعیت مجهول. *محسن رضایی: نباید نظامیان را از کشور محروم کرد. *حجاریان: اصلاحات گفتمانی به پایان خود رسیده. *رمضان‌زاده: در دولت خاتمی تنها یک حکم دولتی داشته‌ام. *معاون حقوقی و امور مجلس ریاست‌جمهوری: دولت در بودجه۸۵ کسری بودجه را پاک می‌کند. *کمیته دانشجویی جبهه مشارکت: شاخه دانشجویی این کمیته در مرکز جبهه مشارکت تصویب شد تا ساختار تشکیلاتی آن مشخص شود . *دیپلمات‌های روسیه جزییات طرح را به ایران می‌آورند. مصباح‌یزدی: اعتبار مقررات به امضای ولایت‌فقیه است. یک نماینده مجلس: اگر عملکرد صداوسیما نبود احمدی‌نژاد رییس‌جمهوری نمی‌شد. *۱۲وزیر کابینه برای پاسخ به سوالات نمایندگان به مجلس می‌روند. *لایحه جرم سیاسی در دستور کار قوه‌قضاییه.

ایران

*سال جدید میلادی، چالش‌های بزرگ جهان، واکنش سوریه به اظهارات خدام. *تهران و مسکو برای مذاکرات حساس آماده می‌شوند. *رییس‌جمهور اموال خود را به رییس قوه‌قضاییه ارایه کرد. *محسن رضایی: کمک به احمدی‌نژاد احترام به آرای مردم است. *الهام: انتشار اسامی مفسدین اقتصادی قطعی‌شده کار درستی است. *فرزند یکی از مسوولان دانشگاهی کشور برای انجام نظرسنجی برای یکی از شرکت‌های قطعه‌سازی خودروهای داخلی یک‌میلیارددلار۲۰۰میلیون‌تومان دریافت کرد. *باهنر: بنزین سهمیه‌بندی می‌شود. *روایت هنرمندان از اقبال مصری‌ها به مواضع رییس‌جمهور ایران. *توصیه ۵۰ کارشناس هسته‌ای ایران برای حل مساله هسته‌ای ایران

ادامه از صفحه ۴

رشد۱۸درصدی بودجه آموزش‌عالی و مراکز پژوهشی

این مراکز بر اساس بودجه مصوب سال‌جاری، بیش از ۶۶هزارمیلیاردریال اعتبار به خود اختصاص داده‌اند که در مجموع ۷۷درصد بالغ بر کل بودجه این بخش می‌شود. این رقم در لایحه پیشنهادی دولت با ۲۱درصد رشد، به ۸۰هزارمیلیاردریال افزایش یافته و حدود ۷۹درصد کل اعتبار پیشنهادی این بخش در لایحه بودجه سال آینده است. ۳- ردیف بودجه‌ای مربوط به «پارک‌های علم و فناوری استان‌ها» با وجود کاهش تعداد پارک‌ها از ۲۳ به ۱۹، از ۷۰۴میلیاردریال بر اساس بودجه مصوب سال‌جاری به ۸۹۸میلیاردریال در لایحه پیشنهادی افزایش یافته است. ۴- رقم پیشنهادی بودجه «حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، با ۴۹درصد افزایش از ۹۹۷میلیاردریال به یک‌هزارو۴۸۸میلیاردریال در لایحه بودجه سال آینده رسیده است. این رقم حدود یک‌درصد کل اعتبارات بودجه‌ای این بخش را به خود اختصاص می‌دهد. ۵- به جز «مرکز جذب اعضای هیات علمی»، «شورایعالی انقلاب فرهنگی» و «مازاد درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها» که به ترتیب با ۵۸، یک و ۲۵درصد کاهش بودجه مواجه شده‌اند سایر مراکز پژوهشی تحت‌نظر وزارت علوم با افزایش بودجه در لایحه پیشنهادی مواجه شده‌اند. ۶- بودجه پیشنهادی «جهاد دانشگاهی» با هشت‌درصد رشد از یک‌هزارو۳۸۶میلیاردریال در قانون بودجه سال‌جاری به یک‌هزارو۴۹۹میلیاردریال در لایحه پیشنهادی افزایش یافته که این رقم حدود یک‌درصد کل بودجه پیشنهادی این بخش است. ۷- ردیف بودجه‌ای مربوط به «سازمان امور دانشجویان» با شش‌درصد رشد از چهارهزارو۵۲۰میلیاردریال بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۹۳ به چهارهزارو۷۹۵۶میلیاردریال رسیده است که حدود پنج‌درصد کل اعتبارات پیشنهادی این بخش در لایحه بودجه است. بخش عمده این رقم مربوط به «صندوق رفاه دانشجویان» است که متولی اموری مانند وام تحصیلی، مسکن، ازدواج، خوابگاه، بیمه و خدمات درمانی است.